تناسب نسخه‌ی «فاکثروا» با سیاق عبارت

در نسخه‌ی کافی «فاء» تفریع ندارد. در خطبة الوسیلة که در روضه‌ی کافی آمده است، ندارد. ولی می‌بینید که در توحید صدوق هست. به نظرم مرحوم صدوق در امالی هم «فاکثروا» دارد. «فاء» تفریع خیلی مناسب است. می‌دانیم در روایات در جایی که اضافه می‌آید، اصل با آن اضافه است. چون سقوط ممکن است. آنچه که اضافه می‌آورد، روی حساب می‌آورد و بی خودی از جیبش در نمی‌آورد. ولی کسی که نیاورده، ممکن است غفلت کرده باشد. لذا این «فاء»، خیلی مناسب است: «و بالصلاة ينالون الرحمة ، فأكثروا من الصلاة على نبيكم وآله»؛ حال که به این صورت است، «فاکثروا». در کافی شریف در نوادر الجمعه دارد. شاید در جلد سوم یا چهارم باشد. حضرت علیه السلام فرمودند:

> «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلّی اللّه علیه و آله، أَكْثِرُوا مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ فِي اللَّيْلَةِ الْغَرَّاءِ وَالْيَوْمِ الْأَزْهَرِ لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ وَيَوْمِ الْجُمُعَةِ فَسَيُلَقَّى كَمِ الْكَثِيرُ قَالَ: إِلَى مِائَةٍ وَمَا زَادَ فَهُوَ أَفْضَلُ»[1].

در روز نورانی جمعه بر من زیاد صلوات بفرستید. عرض کردند: اکثار چقدر است؟ حضرت صلّی اللّه علیه و آله فرمودند: «الی مائة و ما زاد فهو افضل»، هر چه هم بیشتر باشد، بهتر. آن مرز و کف اکثار، صد مرتبه است. شاید دلیل اینکه از مستحبات این است که بین نافله‌ی فجر و نماز صبح؛ نافله‌ی صبح را که خواندید، قبل از نماز صبح، مستحب است صد بار صلوات بفرستید، این احتمال هست که این از مواردی باشد که در این هنگام دستور داده است چون آفات زیاد پیش می‌آید. «فی التاخیر آفات». می‌گویند همان که نافله‌ی صبح را خواندید، تا قبل از نماز صبح، در این فاصله «اکثروا». یعنی شما از کسانی باشید که امروز آن حداقل اکثار در صلات را محقق کرده باشید. خیلی عالی است. «اکثروا» تعدادش صد تا است، همان اول صبح این صد تا را بفرستید که جزء مکثرین باشید.

شاگرد: درجایی‌که در نقل‌ها کم و زیاد می‌شود، در مواردی‌که آن زیاده حالت تناسبی دارد، آن قاعده در اینجا می‌آید؟ یعنی در نقل به معنا، به‌خاطر تناسب یک فاء هم اضافه کرده باشد. آن اصل عقلایی هنوز هست؟

استاد: گاهی می‌بینیم اضافه‌ای که کرده است، یک نحو توهم است و خلاف است و به قول شما از خودش نقل به معنایی را اضافه کرده و عبارت را خراب کرده است، اینجا این اصل نمی‌آید. اما یک جایی است که می‌بینیم اضافه را آورده و کاملاً درست و حکیمانه است و مطابق با مراد گوینده است.

شاگرد: منظورم در فرض تعارض است. یعنی یک نسخه داریم که آن فاء را ندارد و یک نسخه داریم که آن فاء را دارد، هر کدام هم یک مضعفی دارند. نسخه‌ای که کم کرده، ممکن است به‌خاطر این باشد

که افتاده باشد، نسخه‌ای که اضافه کرده است، به‌خاطر تناسب بوده است. یعنی حتی اگر امام علیه السلام هم نگفته باشد، او اضافه کرده است.

استاد: علی أی حال، در جایی که اضافه کاملاً موافق مراد گوینده است، بگوییم چون نسخه‌ی دیگر ندارد، شاید خودش اضافه کرده باشد.

شاگرد: خُب، بالأخره آن هم یکی نقلی است. یعنی طرفین هر کدام یکی مضعفی دارند. در موارد طبیعی درست است که کسی بیخودی چیزی را اضافه نمی‌کند.

استاد: خُب، در طرفین هم اصل دارید؛ اصل بر مطابقت نقل با منقول است. اما حالا که تعارض شده است، یکی «فاء» دارد و یکی ندارد. در اینجا آیا مساوی هستند؟ ای خیر، رجحان با آن است که فاء را آورده است؟ در ما نحن فیه اگر «فاء» مطلب را خراب می‌کرد، آن معلوم بود. رجحان را که ندانست. چرا؟؛ چون با مقصود گوینده منافات پیدا می‌کرد. اما جایی که با مقصود منافات پیدا نکند، از کجا بگوییم رجحان با این طرف نیست؟! به گمانم رجحان در این است که فاء را خود حضرت علیه السلام فرموده‌اند.

البته قبلاً صحبت شده که می‌گویند مرحوم کلینی در نقل اضبط هستند. ایشان این اضبطیت را دارند، اما در این موارد، منافاتی ندارد که ایشان به طور کلی، از شیخ صدوق اضبط باشند اما در خصوص اینجا، این فاء، این را برساند. چون به‌طور روشن می‌گوید: «وبالصلاة يانلون الرحمة ، أكثروا...». گوید آدم می‌بیند که این یک چیزی کم دارد. «الشهادتين يدخلون الجنة و بالصلاة يانلون الرحمة، اكثروا...». ببینید خود شما می‌بینید که این عبارت از نظر ترتب عبارت یک چیزی کم دارد. اما وقتی «فاء» دارد هر کسی بسیار راحت می‌بیند که تناسب دارد. «فاكثروا»؛ حال که به این صورت است بر سبب، مسببش را متفرع می‌کنید. یعنی شما تثبیت کنید و این را انجام بدهید تا آن غایت بیاید.

شاگرد ۲: کسی را سراغ دارید که بین نافله و نماز صبح عملاً صد تا صلوات فرستاده باشد و سیره‌ی آن‌ها این بوده باشد؟

استاد: من در سفر و حضر همراه نبوده‌ام تا ببینم ملتزم باشند. ولی اصل آن را یا در مفاتیح دیدم یا در کتب دیگر دیدم. ولی اصل آن در ذهن من خیلی ثابت است. تازه نگاه نکرده‌ام. ولی خیلی ثابت است که اینطور چیزی هست. شاید در مفاتیح باشد. شما نگاه کنید و به ما هم بگویید.

---

[1]. شیخ کلینی، الكافي (چاپ الاسلامية)، ج ۳، ص ۴۲۸.

بازبینی #2
ایجاد شده 21 فوریه 2024 14:30:10 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 فوریه 2024 15:03:57 توسط ... .